

سفری در معیت ایرج افشار به صفحات لرستان

آشنایی من با ایرج افشار از سال ۱۳۲۴ که در دانشکده حقوق درس می‌خواندیم آغاز می‌شود. ولی نمی‌دانم دست زمانه چه نقشی داشت که تا سال ۱۳۶۲ با یکدیگر روبرو نشدیم. از آن تاریخ به دفعات چه به صورت دسته جمعی و چه دو نفری با همدیگر ایران گردی کردیم و اگر بگویم بیش از سی هزار کیلومتری طی طریق کرده‌ایم اذراق نگفته‌ام. در این سفرها که بیشتر در حاشیه کویر نمک ایران یا متن آن بود من نکته‌ها از او آموختم و تصور نمی‌کنم مانند افشار کسی واجب به وجب این سرزمین پهناور را به کرات و دفعات در نوردیده باشد و از آثار مهم تاریخی آن ولو یک سنگ قبر قدیمی یادداشت برداشته باشد.

خاطرات سفری را که در معیت او به محلات و خمین و صفحات لرستان رفتیم به رشته تحریر در آوردم تا گویای خلیات و نکته‌های اخلاقی او باشد و خداوند را گواه می‌گیرم در این سفرنامه سعی کرده‌ام از جاده بی طرفی خارج نشوم بدین معنی که نه به مناسبت دوستی طولانی در ذکر صفات نیک او غلو کنم و نه آنکه خدای ناکرده نقاط ضعف او را چنانچه همه ما کم و بیش داریم، بزرگ کنم.

حوالی اوایل خرداد ۱۳۷۵ افشار تلفن کرد و گفت فلاتی آماده باش تا چند روز دیگر با یکدیگر سفری به جنوب غرب خواهیم کرد. پرسیدم مقصد کجاست و چند روز طول می‌کشد و خلاصه برنامه چیست؟ و همسفرهای ما کیانند؟ پاسخ داد باز تعجب می‌کنم یکی از آن سؤالات وزارت خارجه‌ای می‌کنی؟ این بنده قریب سی سال در خدمت وزارت امور خارجه بوده‌ام و نقطه ضعفی است که افشار همواره انگشت روی آن می‌گذارد؟!

بعدا ادامه داد و گفت اولاً مقصد نامعلوم است و به قول عوام منزل بعدی قسمت آباد است و به زعم امروزی‌ها (ناکجا آباد) و ثانیاً مدت آن را دقیقاً نمی‌توانم بگویم چون معلوم نیست چه حوادثی بین راه رخ دهد؟ ثالثاً همسفر فعلاً شما هستید شاید هم یک نفر دیگر علاوه شود افشار سعی دارد در این گونه سفرها که با ماشین شخصی او حرکت می‌کنیم از ۳ نفر تعداد تجاوز نکند زیرا هم تجانس بین همسفران بیشتر می‌شود و هم اینکه در ماشین جا بیشتر است و ناراحتی فراهم نمی‌شود.

صبح روز ۱۳ خرداد ۱۳۷۵ با ماشین نیسان پاترول افشار به اتفاق آقای مهندس محمد حسین اسلام پناه اهل کرمان که مرد باخدا و نیک نفسی است ساعت هفت صبح حرکت کردیم و ساعتی بعد وارد اتوبان قم شدیم^۱. از خمین به سمت الیگودرز روانه شدیم. باز ایرج طبق سنت همیشگی سؤال کرد راه فرعی به الیگودرز کدام است؟ لذا وارد جاده ریحان به کاظم‌آباد شدیم و در ابتدا ناگهان افشار ترمز کرد معلوم شد خانه‌ای قدیمی به چشمش خورده است. وقتی داخل شدیم، معلوم گردید این خانه در یکصد سال قبل ساخته شده است و متعلق به خانواده دانش است و با نقش منبت کاری درهای چوبی و گچ بری‌ها معلوم بود به یکی از اعیان وقت تعلق داشته است.

پس از طی قریب ۴۵ کیلومتر از میان مزارع سر سبز و زیبا و دلفریب وارد شهرستان الیگودرز شدیم. پس از آنکه در میهمانسرای شهرداری جا گرفتیم عازم منزل آقای سید کمال رضوی از فرهنگیان با سابقه آنجا شدیم. طبق خلق و خوی شهرستانی‌ها با محبت خاص میزبان روبرو شدیم وقتی داخل خانه رفتیم معلوم شد آقای رضوی با اخذ وام و تماماً با هزینه شخصی کتابی تحت عنوان گویش و فرهنگ الیگودرز منتشر کرده است که علاوه بر توضیح موقعیت جغرافیایی استان لرستان و پیشینه کلمه «الیگودرز» دانشمندان و شاعران و خوشنویسان و صنعتکاران و جراحان و دارو سازان و موسیقی دانانی که از این دیار برخاسته‌اند در آن ذکر گردیده است. و علاوه بر آن ضرب المثل‌های رایج در الیگودرز، ترانه‌های محلی و مراسم معمول ازدواج و تولد و بطور کلی سنت‌ها و گویش‌های زبان لری و واژه‌هایی که هنوز پس از یک هزار سال در شاهنامه فردوسی به همان معنی دیده می‌شود در این کتاب جالب جمع آوری شده است. زحمتی که ایشان به همت خود در این راه کشیده است از هر لحاظ قابل تشویق و قدردانی است و انتظار می‌رود بقیه معلمان و فرهنگیان کشور در سایر شهرستانها جغرافیای تاریخی و انسانی و گویش‌های محلی را همین گونه گردآوری کنند تا پس از گذشت یک نسل این فرهنگ ارزنده فراموش نگردد.

صبح روز بعد چون زود حرکت کردیم متأسفانه صبحانه در میهمانسرا آماده نبود برای پیدا کردن قهوه خانه عازم شهر دورود شدیم و قابل توجه آنکه قریب ۵۵ کیلومتر طی راه کردیم حتی یک قهوه خانه کوچک برای صرف چای و صبحانه مختصر وجود نداشت و جالب آنکه در دورود یک میوه فروشی چای داشت لیکن نان و پنیر نداشت؟ ناچار به میهمانسرای دورود رفتیم که با زحمت صبحانه مختصری فراهم کردند و کمبود کره و پنیر چشم‌گیر بود. از دورود^۲ عازم بروجرد که خانواده پدری من همگی از آنجا برخاسته‌اند شدیم. اولین باری که به بروجرد رفتیم سال ۱۳۱۵ شمسی بود که به اتفاق پدر و مادر و برادرانم از ملایر به این شهرستان مصفا رفتیم. پدرم آن زمان سخت بیمار بود و پس از

توقف کوتاهی در پارک ملایر به بروجرد وارد شدیم. در ملایر به علت آشنایی خانوادگی با خاندان عضدی مورد استقبال و محبت فراوان قرار گرفتیم و یک روز به جوزان برای دیدار شاهزاده سهام الملک یکی از فرزندان سپهسالار رفتیم. سهام الملک مرشدس بنز شیکی داشت که می‌گفتند اختصاص به هیتلر صدراعظم آلمان داشته است. صاحبخانه ما به علت مراوده با اروپا در همان ده هم مانند خانه‌های شهری از همه وسایل آسایش از قبیل آشپزخانه و حمام و غیره برخوردار بود و همسر جوانی اختیار کرده بود که به سبک غربی‌ها لباس پوشیده بود. طبعاً در بروجرد هم که مرحوم امیر مؤید عضدی فرماندار آنجا بود احترام لازم را در مورد پدرم معمول داشتند. از چهره پدرم با وجود تن بیمار و غلیل می‌خواندم از اینکه به سرزمین آبا و اجدادی سفر کرده است مسرور است. چند تن از خویشان نزدیک به دیدن ما آمدند که اکنون نام هیچ یک خاطر من نیست و چه بسا فوت کرده باشند. گویا خانواده طلایی از طریق شوهر عمه من با ما نسبت دارند. بار دوم در ۱۳۳۰ بود که با همسر و فرزندم به بروجرد سفر کردم و توقف کوتاهی در آن شهر زیبا داشتیم. حال که پس از ۴۵ سال به بروجرد می‌رقتم احساس خاصی داشتم که توأم با وجد و سرور بود در همان نگاه اول معلوم گردید که بروجرد هم چه از لحاظ جمعیت و چه از حیث تعداد وسایل نقلیه توسعه پیدا کرده است. به علت تراکم جمعیت در مرکز شهر غالب خیابانها یک طرفه بود و میدان‌ها و بولوارها با گل‌های زیبایی که کاشته بودند جلوه خاصی پیدا کرده بود و شهرستان تمیزی به نظر رسید.

با توجه به توقف کوتاهی که در مسجد جامع بروجرد داشتیم از بناهای تاریخی، فقط موفق شدیم از مسجد جامع و مسجد شاه که مربوط به دوران فتحعلیشاه است و قسمتی از بازار شهر دیدن کنیم و چند عکس برای یادگار گرفتیم. مسجد امام خمینی (شاه سابق) بر خرابه‌های قدیمی مسجد سابق بنا گردیده و مربوط به دوران قاجاریه است. نقشه و کیفیت مسجد مذکور دقیقاً از روی طرح و نقشه مسجد امام خمینی تهران (مسجد شاه سابق) ساخته شده است. صحن آن به طول ۶۱ متر و عرض ۴۷ متر است و در وسط آن حوض بزرگی قرار گرفته و دارای سه درگاه بزرگ است که هر سه با دو راهروی شرقی غربی به صحن مسجد راه می‌یابد. شبستان مسجد زیر گنبد اصلی قرار دارد و با فضای دور رواقی که در طرفین آن است گنجایش جمعیت زیادی را دارد. محراب مسجد در انتهای شبستان گچ‌کاری است و حاشیه پایین آن با کاشیکاری سبک قاجاریه تزئین شده است و بین محراب و طاق آیاتی از قرآن کریم با خط ثلث نوشته شده است. مسجد شاه بروجرد دارای ۱۶ حجره مناسب برای سکونت طلاب است و مرحوم حضرت آیت الله العظمی حاج آقا حسین بروجردی رحمت الله علیه مرجع شیعیان در همین مسجد به تدریس اشتغال داشته‌اند.

مسجد جامع بروجرد تاریخی و جالب است و از بناهای قدیمی شهر محسوب می‌شود. این مسجد متعلق به اواخر قرن سوم هجری قمری است و از یک قسمت میانی و دو قسمت طرفین تشکیل شده و گنبد آن بر روی بنای میانی استوار گردیده و از ارتفاع آن تا زمین ۲۰ متر است. در کف ساختمان میانی پنجره‌های مشبکی با کاشی سبزرنگ ساخته شده که برای گرفتن نور و تهویه زیر زمین از آن استفاده می‌شده است. سراسر بالای محراب با آجر و به خط کوفی کلمات مقدسی نوشته گردیده و بر روی لنگه

سمت راست در چوبی آن، حدیث نبوی «نامدینه العلم و علی بلیها» حک گردیده است. بنای این مسجد را به حمویه یا حموله نامی که از خاندان ابی دلف حاکم بروجرد بوده نسبت داده‌اند. مقبره امامزاده جعفر در شرق بروجرد و در میان قبرستان قدیمی شهر واقع شده که ما موفق به دیدن آن نشدیم ولی بطوری که در نقشه جهانگردی لرستان که وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی منتشر کرده‌اینگونه شرح داده‌اند که بقعه به صورت مطبق و بسیار جالب بنا گردیده که نمونه‌ای است از سبک معماری دوران سلجوقیان. اصل قبر در طبقه‌ای زیر معجر فعلی قرار گرفته و به وسیله شش پله از کف حرم پایین می‌رود. درگاه حرم رو به سمت مشرق باز می‌شود و دارای دو نشیمن است که اطراف آن با کاشیهای عصر صفوی و قاجار مزین گردیده است و در آن از چوب به اندازه $2 \times 1/5$ متر است که آیاتی از قرآن کریم به طرز جالبی بر روی آن کنده کاری شده است.

در یکی از خیابانهای مرکزی شهر در یک مغازه عطاری به قفسه‌ای پرخوردیم که ادویه جات در آن قرار داده بودند. این قفسه از نظر مثبت کاری بر روی چوب و از لحاظ نجاری کار نفیسی بود و با آنکه دوست همسفر ما آقای مهندس اسلام‌پناه حاضر شد با قیمت خوبی آن را بخرد ولی صاحب مغازه آن را یادگار پدری می‌دانست. برای اینکه شهر زیبای بروجرد را با خاطره خوشی ترک نماییم مطلبی به خاطر آوردم، که ذیلا نقل می‌شود: یکی از همراهان علی اکبر داور وزیر دارایی دوره رضاشاه تعریف می‌کرد در آن زمان هر مسافری باید برای خروج از شهرها و مسافرت در داخل کشور از شهربانی محل جواز عبور می‌گرفت و موقع ورود به شهر مشخصات سرنشینان و وسیله نقلیه را ماموران شهربانی پرسش می‌کردند و یادداشت بر می‌داشتند. وقتی داور به اتفاق همراهان وارد شهر بروجرد می‌شوند در بدو ورود این سؤال و جواب تاریخی صورت می‌گیرد که برای انبساط خاطر خوانندگان نقل می‌شود. مامور شهربانی از داور سؤال می‌کند: «شغل چینه» البته توجه دارند این گویش لری است. داور جواب می‌دهد: وزیر دارایی. مامور می‌گوید: «اینکه شغل نشد مقصودم آینه که کاروبارت چینه؟» داور رو به همراهان می‌کند و با لبخند می‌گوید: اولین بار است یک کلمه حرف حسابی شنیدم. در این مملکت وزارت که شغل نیست؟ و برای خلاصی از دست مأمور می‌گوید: شغل من وکالت دادگستری است. مامور می‌گوید: این شد یک حرفی و باز پرسش می‌کند: «حالا بگو بینم اتولت (یعنی اتومبیل) چینه» داور می‌گوید: شورولت باز مأمور پاسخ می‌دهد: «بینم شولینگ فورث یا هوتسن؟» یعنی می‌دانم که ماشین تو شورولت است آیا سواری شش نفره است یا هفت نفره. چون اتومبیل‌های هوتسن ساخت آمریکایی بیشتر برای مسافرین جا داشت و اتومبیل‌های فرد کوچک تر بود. همین مکالمه گواهی می‌دهد از همان موقع مردمان بروجرد چقدر ساده اندیش بوده‌اند و برای آنان وزیر و فقیر فرقی نمی‌کرد و اطلاعات لازم را با همان سادگی باید کسب نماید تا گزارش دهد.

حدود ۱۱ صبح شهر بروجرد را که بستگی خاصی با آن دارم و ریشم در آنجاست ترک کردیم. و از همان راه که آمده بودیم مراجعت کردیم و از طریق زاغه وارد خرم‌آباد شدیم و در میهمانسرای شهرداری که بر فراز تپه زیبایی در میان درختان کاج سر سبز و مشرف بر شهر بنا شده است منزل کردیم.

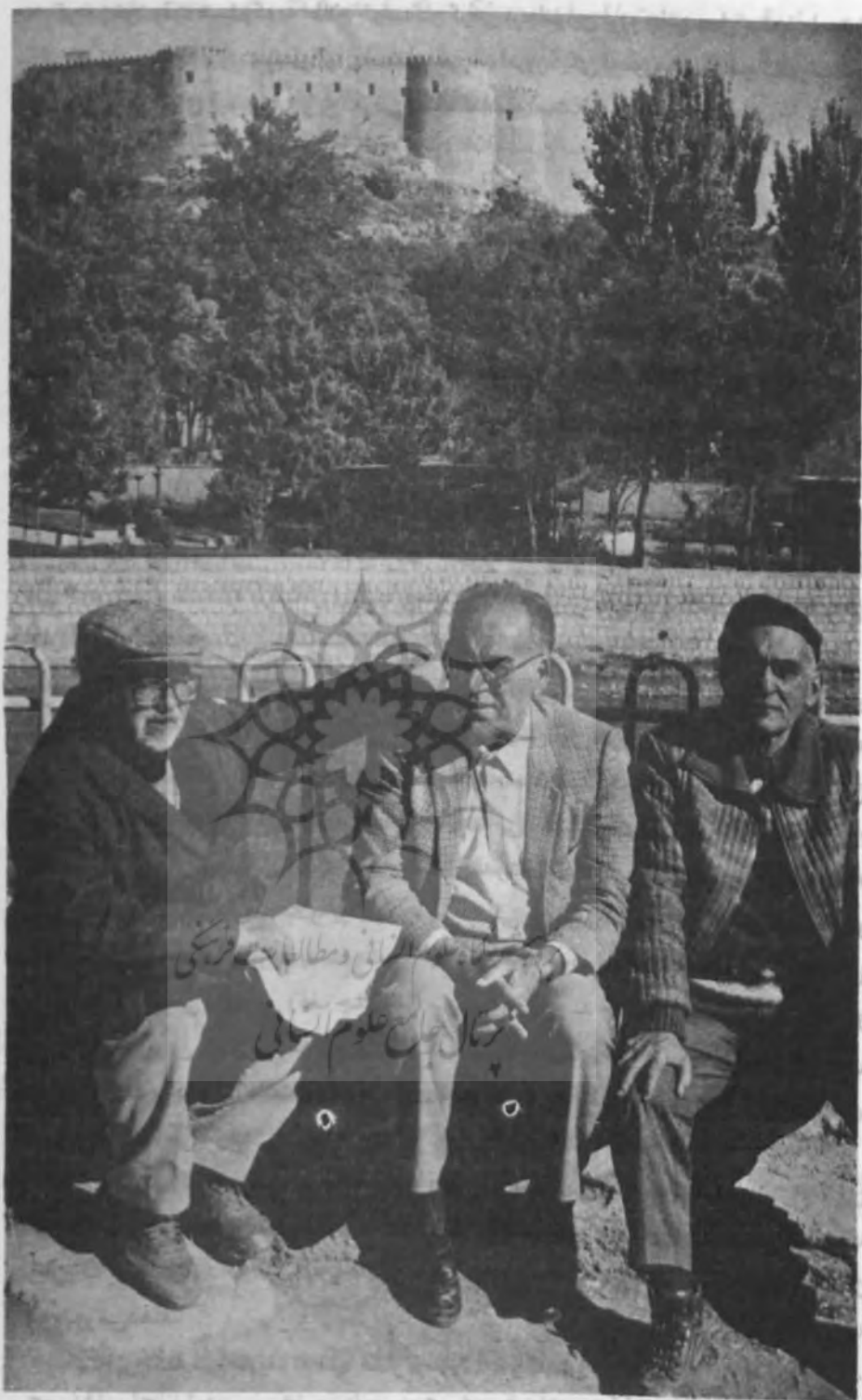
قلعه فلک الافلاک

اولین اثر باستانی که دیدن کردیم قلعه معروف به فلک‌الافلاک بود. این قلعه بر روی بلندی یک تپه تاریخی که به همین نام خوانده می‌شود و در مرکز خرم‌آباد بنا شده است. حریم آن از سوی مشرق و جنوب غربی رودخانه خرم‌آباد و از سمت غرب به خیابان و محله دوازده برجی و در سمت شمال به خیابان فلک‌الافلاک محدود می‌شود. مجاورت این تپه و قلعه تاریخی با غارهای مسکون پیش از تاریخ دره خرم‌آباد و نزدیکی این اثر با دیگر آثار فرهنگی دوره تاریخی شهر خرم‌آباد و نیز مهمتر از همه فوران چشمه پر آب گلستان از دامنه شمالی تپه باستانی از موارد قابل تعمق و نشانه بارز پیوند استوار این محوطه و بنای باستانی با دیگر آثار گرداگرد آن است.

وسعت محوطه باستانی که محمل واقع تحولات تاریخی بناست حدود 300×400 متر مربع و ارتفاع تپه با احتساب ارتفاع دیوارهای بنا از سطح خیابان‌های مجاور حدود ۴۰ متر است. مساحت قلعه هشت برجی فلک‌الافلاک در حال حاضر 5300 متر مربع است. فضای داخلی بنای فعلی به چهار تالار نسبتاً بزرگ حول دو حیاط و تعدادی تالار و اتاق تقسیم شده است. ابعاد حیاط اول $31 \times 22/5$ متر و ابعاد حیاط دوم 29×21 متر است. در ورودی بنا در سمت شمال و در بدنه برج شمال غربی تعبیه شده و راهروی ورودی حیاط دوم در گوشه جنوب شرقی حیاط اول از زیر یک طاق نمای رفیع می‌گذرد. طاق نمای دیگری محاذی این طاق نما در گوشه شمال شرقی حیاط اول بر پاست. چاه آب قلعه در محوطه پشت این طاق نما حفر شده است. عمق این چاه حدود ۴۰ متر و بخش اعظم بدنه آن با برش صخره به سر چشمه گلستان راه یافته است. آب مورد نیاز دژ در گذشته از این چاه تأمین می‌شده و در حال حاضر نیز قابل بهره‌برداری است. بنای اولیه این دژ مربوط به دوره ساسانی بوده و در منابع مکتوب به نامهای دژ شاپور خواست یا سابر خاست و قلعه خرم‌آباد و سرانجام قلعه فلک‌الافلاک ثبت و نامیده شده است.

قول عامه و مدارک مستند به تحقیق بر وجود بارویی دو لایه و خشتی دارای دوازده برج حول بنای فعلی حکایت دارد. این باروی گرداگرد بنا بیشتر به سمت غرب گسترش داشته است. از بقایای برجهای دوازده گانه این بارو لایه خشتی بقایای دو برج در شمال غرب و جنوب شرقی محوطه گرداگرد قلعه فعلی قابل مشاهده و بررسی است. مصالح بنای فعلی: خشت، آجر و سنگ و ملات است. حفظ اهمیت ویژه بنایی تاریخی مرهون موقعیت سوق الجیشی ممتاز آن در گلوگاه این دژ کم عرض بوده است. توجه به عبور و تلاقی راههای معتبر شمال به جنوب و شرق به غرب در این دره ارزش مکانی بنا را بیش از پیش آشکار می‌سازد.

بر همین اساس است که بنا آثار تحولات معماری ادوار مختلف را با خود همراه دارد. این اثر فرهنگی پر صلابت که به تناسب ابزار جنگ در گذشته از استحکام نیرومندی برخوردار است به شماره ۸۸۲ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده و عنوان موزه فلک‌الافلاک را به خود گرفته است که شامل بخشهای باستانشناسی و مردم شناسی و هنرهای دستی و سنتی است. در نظر است پس از پایان یافتن مرمت، فضاهای مناسب این موزه گسترش یابد و به یکی از موزه‌های ملی ایران تبدیل



لرستان پژوهی، سال ۱، شماره ۱ و ۲، بهار و تابستان ۱۳۷۷

گردد. خوشوقت هستم که به اطلاع خوانندگان گرامی برسانم این آرزو جامع عمل پوشیده است و مکانی که در سابق به صورت زندان از آن استفاده می شد امروزه یکی از موزه های جالب کشور است و تلویزیون بارها اشیای قیمتی آن را به معرض تماشا گذاشته است.

پل شکسته (طاق پیل)

دومین اثر تاریخی که در خرم آباد دیدیم پل شکسته بود که پس از قرون متمادی بقایای آن باقی است و بر روی رودخانه خرم آباد بنا شده است. این بنا را به گویش محلی «پیل اشکسه» یا پل شکسته می نامند. جهت پل شرقی - غربی دارای حدود ۲۳۰ متر طول است. ابعاد پا طاق ها و اندازه عرض چشمه های موجود پل شکسته بر خلاف دیگر پل های استان با هم تفاوت ندارند. پهنای هر یک از پایه های موجود ۵ متر و عرض هر چشمه ۷/۵۰ متر است. از بنای قبلی پل در حال حاضر تنها پنج چشمه باقی مانده و بقیه چشمه ها فرو ریخته اند. تعدادی از پاقاقهای شرقی و غربی پل نیز به سبب عوامل طبیعی یا بعدها توسط انسان از ریشه یعنی محل اتصال به پی کنده شده و در هم شکسته است. معماری این پل به لحاظ به کارگیری فنون علمی و محاسباتی دقیق، احتمالاً تجربه جدیدی در زمان خود بوده است. شاید بر اساس ویژگیهایی که دارد بتوان آن را یکی از ارزنده ترین آثار معماری استان قلمداد نمود. مهم ترین خصوصیات این بنا عبارت است از:

الف) یکپارچگی پل که علاوه بر تأمین استحکام پا طاقها و حتی چشمه های پل و اتصال سراسر بنا به هم، در جهت برخورد جریان آب با پل و عبور از آن نیز در طول تقریبی ۱۰ متر با شیب ملایم به سوی عمل ادامه داشته و آب را به راحتی دریافت و بدرقه نموده است. به نحوی که جریان آب امکان ایجاد حفره در زیر پی پل را نیابد و نهایتاً زمینه شکست پی بنا فراهم نگردد.

ادامه این پی در جهت جریان آب نیز برای کاهش قدرت مکنندگی آب و پیشگیری از ایجاد حفره زیر پی پل صورت گرفته است. علاوه بر این گویا یکپارچگی پی پل با گسترش آن در جهت جریان و برخورد آب برای بهره گیری از بنا به صورت سد نیز مفید فایده بوده است. دلیل عمده سد پل بودن این بنا، کاسه ای بودن ادامه پی (کف چشمه ها) بین پایه ها در چند چشمه از چشمه های شرقی و غربی و یکسان بودن عرض چشمه های پل است! احتمالاً نهرهای مجاور رودخانه آب را از این چشمه های کناری دریافت داشته و به محله های شهر قدیمی و یا به آسیاب های آبی و اراضی کشاورزی هدایت می نمودند.

ب) از دیگر ویژگی های معماری بنا، ساخت و ساز موج شکن های پل و به شکل شش ضلعی کشیده است. رئوس تند این شش ضلعی ها (موج شکن ها) طوری در جهات برخورد با آب و در امتداد جریان آب قرار گرفته اند که آب را به راحتی و بدون کمترین برخورد ویرانگر - دریافت و به آرامی از خود عبور می دهند.

رعایت این نکته فنی ظریف نه تنها فشار برخورد آب را کاهش می دهد بلکه افزون بر آن ضربه معکوس آب و مکش آنرا نیز پس از عبور از موج شکن خنثی می سازد. معماری موج شکن های این پل

به سبب اعمال همین مهارت با معماری موج شکن دیگر پل‌های باستانی که در جهت برخورد آب و در امتداد عبور آب شکلی نیمه استوانه دارند. متفاوت است. ارتفاع چشمه‌های موجود پل از سطح زمین تا سطح گذر پل حدود ۱۰/۸۰ متر است و عرض این گذر ۴/۴۰ متر و ارتفاع موج شکن‌های پل از سطح زمین ۲/۳۰ متر می‌باشد. مصالح بنا ملاط و سنگ و از فشردگی و استحکام خاصی برخوردار است.

سنگ نوشته

از کتیبه‌های سفید رنگ که به طور عمود در خیابان منتهی به میدان شقایق نصب گردیده است دیدن کردیم. این سنگ نوشته مربوط به قرن پنجم هجری قمری است که یک اثر فرهنگی و به شکل هرم ناقص با قاعده نامنظم است که در خیابان شریعتی قرار دارد. ابعاد سطح قاعده این کتیبه ریشه در صخره‌ای یکپارچه دارد ۲۱۱×۲۳۰×۱۸۰×۲۳۶ سانتیمتر می‌باشد. رئوس دو سطح تحتانی و فوقانی کتیبه به اثنای رأس تحتانی و فوقانی غربی ستون به طور عمودی در امتداد هم نیستند. ارتفاع ستون کتیبه‌دار تا سطح پله در حدود ۲۸۸ سانتی‌متر و ارتفاع هر یک از دو پله چهار سمت ستون حدود ۲۸ سانتی‌متر است. ارتفاع کلی کتیبه با احتساب پله‌های جانبی نزدیک به ۳۴۴ سانتی‌متر است. متنی که ابتدای آن از سطح جانبی جنوب شرقی آغاز و چهار سطح جانبی ستون را به طور پیوسته دور می‌زند با خط ساده کوفی روی سطوح جانبی آن تکرار گردیده است. مفاد این نوشته مبتنی بر ممنوعیت ارتکاب برخی سنتهای ناپسند بوده و بر بخشش علف چرانی منطقه «شاپور خواست» نیز حکایت دارد. تاریخ متن کتیبه ۵۱۳ هجری قمری است. ظاهراً این ستون برای هدایت کاروانیان نیز بوده است. به نظر نگارنده سطور این کتیبه با توجه به اهمیت تاریخی که دارد در نقطه‌ای از خرم‌آباد نصب گردیده که دور از دید جهانگردان است و شاید مناسب باشد سازمان میراث فرهنگی یا دیگر سازمانهای مربوطه آن را به مکان مناسب تری نقل مکان دهند. این سنگ نوشته مربوط به دوران ملکشاه سلجوقی است و با حروف برجسته نقر شده است و با جمله مقدس «بسم‌الله الرحمن الرحیم» آغاز شده است.

رتال جامع علوم انسانی

گرداب سنگی

گرداب سنگی از دیگر ابنیه دوره تاریخی شهر خرم‌آباد است. این بنا احتمالاً در دوره ساسانی گرداگرد چشمه‌ای فصلی در شمال غرب شهر ساخته شده است. دیوار ضخیم و استوانه‌ای شکل بنا که با سنگ و ملات ساخته شده و محدوده چشمه را محصور می‌سازد بدون احتساب ضخامت دیوار حدود ۲۰/۲۰ متر قطر و از داخل تا کف حدود ۱۰/۳۰ متر ارتفاع دارد.

پیرامون دیواره بنا چند دریاچه توزیع و خروج آب با ابعاد متفاوت و در سطح ارتفاعات مختلف و در جهات گوناگون تعبیه شده است. مرتفع‌ترین این دریاچه‌ها احتمالاً توزیع و هدایت آب آشامیدنی

بین محله‌های مختلف شهر، مشروب نمودن اراضی مزروعی و بهره برداری از آسیاب‌های آبی بوده است بعضی از این آسیابهاگاه تا ۱۴ کیلومتر از محل گرداب فاصله داشته‌اند.

این گرداب از سنگ و ساروج و ملاط ساخته شده است و هنوز استوار و محکم برجاست. این دیدار برای نویسنده این سفر نامه خاطره تأسف‌آوری نیز به جای گذارد بدین ترتیب که پس از عکسبرداری هنگامی که از ارتفاع آن خواستم پایین بیایم به علت بارندگی شب قبل سنگهای دیواره اطراف گرداب لغزنده بود ناگهان با فرق سر در حالی که دروین در دستم بود به کوچه مجاور سقوط کردم و با تفضل‌الهی با داشتن عینک که برچشم داشتم نه شیشه آن شکست و نه استخوانهای فرسوده من آسیبی دید ولی طبعاً در چند جای پا جراحت وارد آمد و ایرج افشار به عجله و هراسان سراغم آمد و مرا به درمانگاه فرهنگیان در همان حوالی برد. البته ماجرای پانسمان زخم‌های من توسط پرستار محجبه که نزدیک شدن به مرد اجنبی را گناه بزرگی می‌دانست و احتیاط فراوان به کار برد تا گناهی را مرتکب نشوند ... ولی تصور من این است پزشک و پرستار و جراح محرم هستند و ثواب مداوای بیماران مسلماً ... بیشتر است!

از آثار تاریخی دیگر خرم‌آباد مسجد جامع آن است که در مرکز شهر واقع گردیده است. قدمت زیادی ندارد و بر روی مسجد قدیمی بنا شده است و در سال ۱۳۲۲ هجری شمسی توسط اهالی محل مرمت گردیده در نزدیکی مسجد جامع مقبره زید بن علی بن حسن (ع) است که وسعت تقریبی آن شش هزار متر مربع است و مربوط به سال ۴۰۴ هجری قمری است دو گلدسته مدور آجری در دو طرف آن ساخته شده و با کاشیهای زیبایی مزین گردیده است. در اصلی حرم از چوب مخصوصی ساخته شده و جملات مقدسی با خط نسخ و به طور برجسته بر آن نقش گردیده است.

در اینجا سخن کوتاه می‌کنم و از اینکه مطلب به درازا کشیده شد پوزش می‌خواهم و آرزو دارم آن دسته از هم میهنان که برای آنان امکان فراهم است فرصت را غنیمت شمرند و از این آثار فرهنگی که نه تنها در لرستان بلکه در سراسر ایران به حد وفور یافت می‌شود دیدن کنند و از نزدیک تمدن و فرهنگ چندین هزار ساله این مرز و بوم را گواه باشند.

مقاله طبع علوم انسانی

پی نوشت

۱. این سفرنامه دربردارنده اطلاعات مفیدی درباره قم، محلات و خمین و مسیر راه تا الیگودرز است. در این شماره بخش لرستان آن چاپ شده است. متن کامل سفرنامه در جلد دوم لرستان نامه خواهد آمد.
۲. نکته‌ای درباره شهرستان دورود لرستان قابل ذکر است و آن دود غلیظ کارخانه سیمان آن جاست که درست در جوار شهر بنا شده است و شبانه روز این آلودگی و دود مسموم خصوصاً با وزش باد داخل ریه ساکنین این شهرستان می‌شود. از روز نخست محل مناسبی از جهت محیط زیست برای احداث این کارخانه در نظر گرفته نشده و گویا سلامت مردم مورد توجه دولت وقت نبوده است. در وضع کنونی انتقال کارخانه مستلزم هزینه گزافی است.
۳. نقل از کتاب لرستان در گذر تاریخ که از طرف سازمان میراث فرهنگی با کفد مرغوب و تصاویر دلپذیر انتشار یافته است.

۴. همانجا.

۵. همانجا.